



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Sociology of Ritual Poetry in Iran Case study: Contemporary Persian poetry of the last four decades

A. Habibi, A. Hassanzadeh Mir Ali*

Department of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 18 August 2020
 Reviewed: 19 September 2020
 Revised: 06 October 2020
 Accepted: 17 November 2020

KEYWORDS

Rituals and Rituals,
 Contemporary Poetry,
 Iranian Culture and Identity,
 Islamic Revolution and Holy
 Defense

*Corresponding Author

✉ a.hasanzadeh@semnan.ac.ir

☎ (+98 23) 31532189

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: What was the basis and theme in ancient religious poems, emphasized more on myths, traditions and cultural customs, but from the Islamic period, especially the Safavid Shiite government, took on a religious color and attention was paid to national and religious rituals. Constitutional social developments, social movements and modernism strengthened the sense of patriotism and archeology in poetry and literature during the Qajar period, the first and second Pahlavi. The victory of the Islamic Revolution and the era of war and holy defense changed the content and direction of ritual poetry, which can be referred to as the renaissance period in ritual poetry. The poetry of the revolution and the holy defense, using the religious concepts and the help of the school of Ahl al-Bayt (AS) and religious beliefs in the form of ancient, half and even white poetry, created the period of modernity of religious and ritual poetry. The present study aims to investigate Iranian and Islamic rituals and ceremonies and their crystallization in contemporary Iranian poetry with emphasis on the last four decades. In this research, an attempt is made to deal with the background, principles, components, themes, stylistic and sociological developments of this type of Persian poetry in the contemporary period.

METHODOLOGY: This research has been done by documentary and library methods and in some cases by interviewing experts.

FINDINGS: Ritual poetry, like other types of poetry and the realm of Persian literature, has expanded over time and a new sphere has opened before it. It is clear that new phenomena, developments of the contemporary period, changes in language, ideas and new themes have all marked new events in contemporary Iranian ritual poetry, and this type of poetry should be viewed in several ways and with different themes.

CONCLUSION: The study and recognition of Iranian and Islamic rituals and ceremonies in the contemporary period in the form of national and religious traditions and ritual poetry and literature are associated with cultural, social and sometimes political developments. In fact, it can be said that ritual literature has become a platform for transmitting the concepts and values of the Islamic Revolution, sacred defense, national and religious occasions, and customs and traditions.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.3859](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.3859)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

جامعه‌شناسی شعر آیینی در ایران مطالعه موردی: شعر معاصر فارسی چهار دهه اخیر

علیرضا حبیبی، عبدالله حسن‌زاده میرعلی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

چکیده:

هدف و زمینه: آنچه بعنوان بنمایه و درونمایه در اشعار آیینی کهن وجود داشت، بیشتر بر اسطوره‌ها و سنتها و آداب و رسوم فرهنگی تأکید میکرد، اما از دوره اسلامی و بخصوص حکومت شیعی صفوی، رنگ‌وبوی مذهبی گرفت و به آیینهای ملی و مذهبی توجه میشد. تحولات اجتماعی مشروطه، جنبشهای اجتماعی و تجددخواهی باعث تقویت حس وطن‌دوستی و باستان‌گرایانه در شعر و ادبیات در دوران قاجار، پهلوی اول و دوم شد. پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ و دفاع مقدس، محتوا و مسیر شعر آیینی را تغییر داد که میتوان از آن به دوره نوزایی در شعر آیینی یاد کرد. شعر انقلاب و دفاع مقدس با بهره‌مندی از مفاهیم آیینی و استمداد از مکتب اهل بیت (ع) و اعتقادات دینی و مذهبی در قالبهای شعری کهن، نیمایی و حتی سپید دوره نوگرایی شعر مذهبی و آیینی را پدید آورد. پژوهش حاضر با هدف بررسی آیینها و مناسک ایرانی و اسلامی و تبلور آنها در شعر معاصر ایران با تأکید بر چهار دهه اخیر انجام گرفته است. در این پژوهش تلاش میشود به پیشینه، مبانی، مؤلفه‌ها، درونمایه‌ها، تحولات سبکی و جامعه‌شناختی این گونه شعر فارسی در دوره معاصر پرداخته شود.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای و در مواردی به شیوه مصاحبه با صاحب‌نظران انجام گرفته است.

یافته‌ها: شعر آیینی همچون دیگر انواع شعر و قلمرو ادب فارسی در گذر زمان گسترش یافته و سپهر تازه‌ای فراروی خویش گشوده است. روشن است که پدیده‌های نو، تحولات دوره معاصر، تغییر و تحول زبان، اندیشه‌ها و مضامین نو، همه و همه اتفاقاتی جدید را در شعر آیینی معاصر ایران رقم زده است و این گونه شعری را باید چندساحتی و با مضامین متنوع نگاه کرد.

نتیجه‌گیری: بررسی و شناخت آیینها و مناسک ایرانی و اسلامی در دوره معاصر در قالب سنتهای ملی و مذهبی و شعر و ادب آیینی با تحولات فرهنگی و اجتماعی و گاهی سیاسی همراه است. در واقع میتوان گفت ادبیات آیینی بستری برای انتقال مفاهیم و ارزشهای انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مناسبتهای ملی و مذهبی و آداب و سنن شده است.

تاریخ دریافت: ۲۸ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۹ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۵ مهر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۷ آبان ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

آیینها و مناسک، شعر معاصر، فرهنگ و هویت ایرانی، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

* نویسنده مسئول:

✉ a.hasanzadeh@semnan.ac.ir

☎ ۳۱۵۳۲۱۸۹ (۲۳ ۹۸+)

مقدمه

آیینها، سنتها و مناسک، قدمتی به درازای تاریخ و تمدن ایران دارند و ظرفیت بزرگی برای معرفی فرهنگ ایرانی و اسلامی خلق کرده‌اند. شعر و ادبیات، منعکس‌کننده احوال اجتماعی و محیط جامعه است و این عامل دوسویه است. درحقیقت ادبیات در ذات خود بر مطالبی مشتمل است که موردنیاز فرهنگ و جامعه است و محتوان آن را شکل میدهد. این درونمایه‌ها دربرگیرنده آیینها و مناسک، فرهنگ و اخلاقیات، دین و مذهب، زبان و نژاد، وطن و اقلیم، سنتها و رسوم و دیگر نهادهایی است که ادبیات را پویا و غنی میکند و مخاطبان آن را وادار به مشارکت در استمرار یا آفرینش میسازد. شعر آیینی فارسی، صرف نظر از کارکرد هنری و ادبی، بعنوان ابزاری ارتباطی و گفتمان‌ساز نیز مطرح و در تکوین گفتمان شیعی و ترویج آیینهای ملی مؤثر بوده است. در این پژوهش تلاش میشود به شیوه توصیفی-تحلیلی و براساس مدل مفهومی تحلیل جامعه‌شناختی و سبک فکری و در مواردی به شیوه مصاحبه با صاحب‌نظران به بررسی و معرفی مضامین و مؤلفه‌های آیین‌ساز و مناسک‌آفرین و آسیب‌شناسی آن در شعر معاصر ایران پرداخته شود.

بحث و بررسی

تعریف آیین

آیین واژه‌ای با معانی بسیار زیاد و متنوع است. اگر به لغت‌نامه دهخدا مراجعه کنیم، از کثرت معانی این کلمه شگفت‌زده میشویم. دهخدا آیین را با ذکر شواهدی از ادبیات کهن فارسی توضیح داده است: «سیرت، رسم، عرف، طبع، عادت، ادب، روش، خلق و خو، خصلت، خوی و منش، شرع، شریعت، دین، کیش، سنت، راه، طریقت، متداول، معمول، مرسوم، جشن، سور، شیوه، آهنگ، گونه، صفت، کردار، مانند، سان، مثل، اندازه، اسباب و وسایل، آلات، ادوات، ساز و سامان، سزاوار، رواج، جایز، مباح، قاعده، قانون، نظم، ترتیب، زیچ، یاسا، تشریف، طبیعت و نهاد، فطرت، حالت، آذین، شهرآرایی، زینت، آرایش، زیب، زیور، فر، آداب، مراسم، خواهش و اراده، زیبا، صورت، طریق» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه). همین کثرت معانی میتواند ما را به کاربرد نسنجیده و از طرفی هم به خلط معانی و جابجایی مفهومی آن وادار کند که کار را دشوار میکند. در ادبیات کهن تا امروز این واژه سیر معنایی عجیبی داشته است. آیین در فرهنگ فارسی معین این‌گونه معنی شده است: «رسم و عادت، مرسوم، متداول، سنت، معمول، شیوه و روش، کردار، قاعده و قانون، فر و شکوه، کیش و مذهب، زیب و زینت، طبیعت، نهاد و فطرت، تشریفات» (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه).

مراد از آیین در نگاه عالمانه و ناقدانه جنبه‌هایی از اعمال و رفتارهای فردی و گروهی منطبق بر آداب و رسوم دینی و غیردینی است که سنتهای رسمی جامعه را دربر میگیرد. آیین در علوم انسانی مفهومی وسیع دارد و سنتهای فرهنگی انسان را از آغاز تا امروز درون خود جای داده و از حیث انسان‌شناختی از مباحث جدی بشر است. از گذشته‌های دور و اشکال اولیه زندگی تا نمونه‌های تمدن مدرن و امروزی، انسان را همراهی کرده و گذرها و گذاره‌های فراوانی را رقم زده است.

آیین و مناسک

در علوم اجتماعی آیین بعنوان امر هویت‌بخش اجتماع و جامعه قصد دارد بستر وضعی را از حالت‌های فردی و درون‌گرایی به جمعی و برون‌گرایانه پیوند دهد. شاید اولین گام در این عرصه همان نمایشها و نیایشهای آیینی

است که رابطه فرد در اجتماع را معین می‌کرده است. از سویی در علوم اسلامی آیین فعالیت و وسعت بیشتری پیدا کرده و بنا به ضرورت ایدئولوژیک و اعتقادی کارکردهای نو و تازه‌ای یافته است و چه بسا برخی آیینهای کهن با سرشت اعتقادی ممزوج و در پرتو مفاهیم اسلامی بازآفرینی شدند. از آنجاکه مناسک امری گروهی و اجتماعی است، به نوعی از منظر ساختارگرایی در علوم اجتماعی قابل بحث و بعنوان یک نهاد گروهی و مؤثر در جامعه جای تأمل داشته و دارد. در علوم اجتماعی دو دیدگاه در باب مناسک وجود دارد. نخست دیدگاهی که مناسک را بمنزله اساس احساسات و عواطف مینگرد و دوم آنکه مناسک را بمثابة بنمایه و اساس باور مینگرد. در زبان انگلیسی معادل مناسک، Rituals، به معنای رسوم و سنتهای دینی و مذهبی است که از منظر ساختاری و ظاهری برابر با مقصود ما در ایران است؛ اما از منظر مفهومی و محتوا مناسک در ایران اسلامی متفاوت است. نقش مناسک و آیینها در باورهای ملی و معنوی و کارکرد آن در جامعه ایران با وجود نقش پررنگ مذهب و مراسم متنوع مذهبی و ملی، امری آشکار است که در دوره‌های تاریخی در شکلگیری باورهای مردم خودنمایی کرده است (فکوهی، ۱۳۸۹).

حال این سؤال در اذهان خطور میکند که آیا آیین همان منسک است؟ چه ارتباطی میان این واژه و مفهوم منسک وجود دارد؟ واقعیت این است که ما نباید محصور واژه‌ها باشیم. فرای واژه‌ها، مفاهیم در طول تاریخ تحولاتی داشته و پیوندهای مشترکی یافته‌اند. در ایران با پیشینه ادیانی و تاریخی آیین و با حضور اسلام، منسک یا همان مناسک در زبان و ادبیات فارسی نفوذ داشته است و گاهی در متون و اشعار مترادف هم بکار میروند.

یکی از مباحث مهم در مطالعه فرهنگی و اجتماعی دین، شناخت آیینها و مناسک مذهبی بعنوان اموری متنوع و متکثر است. مطالعات آیینها در ایران مستلزم گونه‌شناسی دقیق و مناسبی است تا فهم و کارکردهای مختلف مناسک و آیینها را در حوزه دین روشنتر کند. این مسئله در مطالعات دینی ایران، با توجه به دو سنت دینی کاملاً متمایز (زرتشت و اسلام) بسیار مهم است. تجربه تاریخی ایرانیان از یک دین کشاورزی در قالب اندیشه زرتشت و تقویم خورشیدی در آن و سپس از یک دین دیگر که در جامعه عشیره‌ای بر پایه تقویم قمری و ماه ظهور یافته، سبب شده دو تقویم شمسی و قمری همزمان در مناسک و آیینها وجود داشته باشد و این مناسک قمری که منشأ دینی و مذهبی دارند با آیینهای خورشیدی که منشأ زیستی و آفرینشی دارند، به سنت انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی در ایران تبدیل شوند.

انواع آیینها و مناسک

آیینها و مناسک را به دو بخش بزرگ دینی و غیردینی و گروهی دیگر آن را به دو دسته ایرانی و اسلامی تقسیم میکنند که با توجه به نهادهای جغرافیایی و اقلیمی، تاریخی و تمدنی، فرهنگی و اعتقادی، دینی و مذهبی، اجتماعی و سیاسی طی تاریخ و دوره‌های حاکمیتی از پیش از اسلام تا امروز، به پنج گروه قابل تبیین و معرفی است: آیینها و مناسک باستانی و کهن ایران؛ آیینها و مناسک دینی و مذهبی؛ آیینها و مناسک سیاسی و اجتماعی؛ آیینها و مناسک اقوام و مناطق ایران؛ آیینها و مناسک خانوادگی و گذار انسانی.

شعر آیینی معاصر ایران

سابقه دیرین شعر آیینی در تاریخ ادبیات فارسی، نشانگر اهمیت موضوعات و مفاهیم آیینی نزد شاعران و سخن‌پردازان فارسی‌زبان است. البته در دوره معاصر نگاه شاعران به مضامین و مؤلفه‌های آیینی با نگاه شاعران

سده‌های پیشین متفاوت است. نوعی نگاه اخلاق‌گرایانه و توحیدی که در آغاز بود، در کنار توجه به سنتها و آداب و رسوم ملی و کهن موجود در تاریخ ایران، جای خود را به نگاه مذهبی و مداخلی و مراثی داده است. در دوران معاصر ایران، محتوا و مضامین شعر آیینی دچار تغییرات یا بازآفرینی شد که موافقان و مخالفانی دارد. «در آثار شعرا به اشعاری برمیخوریم که بر پایه سازندگی مکتب انسان به نشر معارف بشری پرداخته و در این راه از سخنان پندآموز و سودمند دریغ ننموده و شعرشان شامل مزایای ادبی هم بوده است. این بخش از ادبیات را همه صاحبان حکمت و ادب برای انسان امروز یک نیاز میدانند» (جام جهان‌بین، اسلامی ندوشن: ص ۳۸۴). در هر حال شعر در هر دوره‌ای متناسب با شرایط جامعه پوست‌اندازی میکند و طبیعی است که در دوره معاصر با توجه به محتوای نهضت اسلامی و حاکمیت ارزشهای دینی و مذهبی بر جامعه، این بخش از اشعار آیینی برجسته‌تر و نمایانتر باشد. زبان و فرهنگ مردم گواه این سخن است که شعر آیینی در قالبهای متنوع و موضوعات متکثر، اعم از مفاهیم ملی و مذهبی از دیرباز تا امروز محفوظ مانده است. شاید در نگاه شاعران زوایای تازه‌ای کشف و مشاهده شود که آن هم از محاسن شعر آیینی است. شعر فارسی چنان گسترده و دل‌انگیز است که میتواند منظوم مجموعه آیینها و مناسک ایرانی و اسلامی از باستان و تاریخ کهن تا دوره معاصر و دهه‌های پیش‌رو باشد. چه بسا در آینده نیز آیینهای نوظهور و زاینده در دل مجموعه آیینها و بستر جامعه ما شکل گیرد که از نگاه برخی بدعت و از منظر عده‌ای خلاقیت و پیشرفت باشد. شاید بتوان آن دوره را دوره شعر «نوآیینی» نام‌گذاری کرد.

شعر آیینی معاصر ایران اگرچه جدای از کلیت شعر فارسی نیست، تحولات اجتماعی دوره معاصر در معرفی آیینها و مناسک ایرانی و اسلامی و آفرینش یا بازآفرینی برخی از آنها نقش‌آفرینی کرده است. جستجو در آثار و زبان هر فرد در واقع کاوشی است که ما را به اندیشه‌ها و مضامین و درونمایه‌های نهفته در جهان واژگان او نزدیکتر میکند؛ چراکه شعر، محدوده جهان ذهن و زبان شاعر است که خود آن را می‌پروراند، رشد میدهد و سپس آن را برای دیگران وامی‌گذارد. قواعد کلی پدیده زبان در هر دوره‌ای تابع قراردادهایی است که متناسب با زمان و شرایط جامعه و همسو با نظام فکری و جهان‌بینی خود، بخشهایی از آن را برای گفتار و نوشتار برمیگزیند (وظیفه ادبیات، نجفی: ص ۱۹).

تقسیم‌بندی موضوعی شعر آیینی و انواع آن در دوره معاصر

شعر آیینی محض

شعر آیینی بخش بزرگی از ادبیات ما را تشکیل میدهد. امروز اگر مولوی، فردوسی، حافظ، سعدی، سنایی، نظامی و دهها شاعر بزرگ دیگر عالمگیر شده‌اند، بدلیل مفاهیم والای انسانی است که در آثارشان مطرح میشود. ادبیات ما ریشه در مفاهیم اخلاقی و آیینهایی دارد که سرشار از معنویت، صداقت، اخلاص، نوع‌دوستی و رفتارها و منشهای انسانی است. کمتر شعر کهن فارسی را می‌بینیم که به ارزشهای اخلاقی نپردازد؛ به همین منظور مفاهیم اخلاقی محتوای ناب و اصیل ادبیات ما را تشکیل میدهد. حال این پرسش مطرح میشود که ادبیات آیینی چیست؟ وقتی از ادبیات آیینی سخن می‌گوییم، با دو مقوله ادبیات و آیین مواجه می‌شویم. از آن روکه این آثار در قالب و حوزه ادبی تعریف و ارائه میشوند ادبیات بوده و از آن رو که به درونمایه و محتوای آیین می‌پردازند، آیینی برشمرده میشوند. نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید، این است که ادبیات فارسی کدام آیین را نشان داده است که این صفت را بدنبال میکشد و منظور از آیین چیست؟ میرجلال‌الدین کزازی می‌گوید: اگر ما از نگاهی فراخ و فراگیر به سرگذشت ادب پارسی به‌ویژه ادب در پیوسته یا شعر بنگریم، میتوانیم گفت که همه روندها و دبستانهای ادبی ایران

از کهنترین روزگاران تا امروز سرشتی آیینی داشته‌اند. از کهنترین سروده‌های ایرانی گاهان زردشت است و نیز نیایشهای به درگاه خداوند گرفته تا روزگار ما، حتی در آنچه غزلسرای مینامیم که چندان پیوندی هم با باورها و اندیشه‌ها و ویژگیهای آیینی ندارد، نمود ادب آیینی را میتوانیم یافت. در روزگار ما هم این هنجار و ساختار دیده میشود اما اگر بخواهیم ادب آیینی را با پیشینه ادب پارسی بسنجیم، همچنان اگر با نگاهی ژرف‌نگری و پدیدارشناختی به آن بنگریم، میتوان گفت در این روزگار ادب آیینی کارکرد برونی و آشکار و کالبدینه یافته است. به سخن دیگر این روند بصورت شاخه‌ای در شعر امروز پدید آمده که جدا از دیگر روندها و گونه‌های ادبی است و آن را آثار ادب آیینی نام نهاده‌اند (کزازی، ۱۳۶۱).

شعر آیینی که گستره اصلی و مورد بحث در ادبیات آیینی است، در فراز و فرود تاریخ و ادبیات ایران و زبان فارسی دستخوش تحولات و تعاریف متنوع و متکثری شده است و در برهه‌هایی از تاریخ بنابر مقاصد حاکمان و شاعران تعریف و تفسیری نو و تازه یافته و در کسوت‌های اخلاقی و اجتماعی، ملی و باستان‌گرایی، دینی و مذهبی، فرهنگی و سنت‌های کهن خود را بروز داده است. شعر و ادب آیین فارسی دو وجه عرفی و علمی دارد که در نگاه عرفی جنبه دینی و مذهبی آن غالب است و به نوعی مترادف با شعر دینی و مذهبی تلقی میگردد و در نگاه علمی و دانشگاهی همه جوانب فرهنگ و سنت‌های آیینی مردم ایران از گذشته تا امروز و مسائل اخلاقیات و موضوعات دینی و مذهبی شامل مدایح، مراثی، مناقب، و فضایل است.

سیدحسن امین شعر آیینی را بگونه‌ای دیگر مینگرد و در کشور ایران و زبان فارسی معاصر، شعر آیینی را همان شعر مذهبی میداند و شعر دینی را شعر آرمانی همه ادیان میداند. شعر آرمانی و دینی شعری در جهت آرمان‌گرایی و تبلیغ و ترویج یک مذهب و مکتب است. بین شعر آرمانی و شعر دینی به اصطلاح استادان منطق صوری، رابطه عموم و خصوص حاکم است. یعنی هر شعر دینی و آیینی، شعر آرمانی است ولی هر شعر آرمانی شعر دینی و آیینی نیست. برای مثال اگر شاعری کمونیست و توده‌ای، بنابر عقاید خود و در راستای اهداف و آرمانهای خود شعری بگوید، آن شعر آرمانی است ولی دینی و آیینی نیست. در اینجا بیان تفاوت بین شعر دینی و آیینی هم لازم است. شعر دینی، هر شعری است که در ترویج هر دینی اعم از الهی و وحیانی و بر حق یا بشری و غیره سروده شده باشد، اما شعر آیینی در اصطلاح ادبیات امروز به اشعاری اطلاق میگردد که منحصرأ در ترویج تشیع یا مدح و مرثیه معصومان شیعه سروده شود. به شعر آیینی برحسب مورد شعر ولایی و عاشورایی هم گفته میشود. این سخن قابل نقد است و میتوان گفت بر پایه نگاه عرفی است نه علمی؛ چراکه ابتدا باید تعریف آیین را واکاوی کرد و سپس به دسته‌بندی آن پرداخت (امین، ۱۳۹۴).

در زبان فارسی برحسب سیر و تحولات تا امروز بطور کلی شعر آیینی به دو دسته بزرگ شعر ملی و سنت‌های ایرانی و دیگری شعر دینی و مذاهب اسلامی تقسیم میشود. اگر این نگاه را بر قامت عالمانه در قالب علمی جای دهیم، میتوانیم همه تعریفها و تحولات ادبیات آیینی ایران را از آغاز تا امروز درست و مناسب تطبیق و شرح دهیم. همچنین اگر بخواهیم پیشینه‌ای از شعر آیینی را در زبان فارسی بیان کنیم، میتوان از اولین سراینندگان آن از کسایی مروزی و ناصر خسرو قبادیانی بلخی یاد کرد که بعد از آنها شاعرانی دیگر چون سنایی غزنوی، قوامی رازی، و محتشم کاشانی حضور دارند.

یکی از علل گرایش شاعران فارسی‌زبان به شعر آیینی مذهبی، نکته‌ای است که به نقل از عبدالجلیل رازی در کتاب *انقض آمده است*. اینکه شاعران و شعرخوانان شیعه به سنت مناقب‌خوانی در برابر فضایل‌خوانی اهل سنت به سرودن، بازخوانی و خوش‌خوانی اشعاری در وصف و مدح اهل بیت پیامبر اسلام و امامان شیعه و بزرگان دینی

میپرداخته‌اند و از جهت تاریخی شروع جدی و مؤثر آن به عصر آل بویه می‌رسد (امین، همان). هرچند شاید در عصر رودکی و عهد سامانیان این تقابل کمتر بوده، در دوره‌های بعد و حکومت غزنویان مشهود است.

شعر دینی و مذهبی

شعر دینی به معنای عام، هر شعری است که برآمده از اعتقادات دینی شاعر در حوزه هر دینی باشد. تعریف جامع و مانع دین بطور عام یعنی باورمندی به امور قدسی و انجام سلسله مناسک برای تجلی آنها اعم از اعمال فردی و جمعی. شعر دینی اسلامی به زبان فارسی شامل اشعاری میشود که در نیایش خدا، توحید و معرفت الهی، نعت پیامبر و مدح و منقبت پیشوایان دین مبین اسلام سروده میشود. *الهی‌نامه* خواجه عبدالله انصاری بارزترین نمونه آن است و تقریباً دیباچه همه دیوان شاعران در توحید و مدح بزرگان دین است. حتی *شاهنامه* فردوسی بزرگ که اثر حماسی و ملی است، از همین قاعده تبعیت کرده است. از آنجاکه دین اسلام دارای دو مذهب اصلی تشیع و تسنن است، شعر دینی در ایران، در دوره‌های تاریخی قبل از صفویه و بعد از آن متفاوت است. شعر دوره قبل از صفویه شعر دینی عام است و بعد از صفویه که مذهب رسمی تشیع شد، شعر دینی هم گونه‌ای خاصتر و به نوعی وجهه مذهبی بیشتری به خود گرفت. در این دوره شعر دینی فارسی به مدایح مراثی چهارده معصوم در مذهب شیعه دوازده امامی اطلاق میشود. شعر مذهبی از این جهت بیشتر مدح یا مرثیه است و شاید بتوان گفت آسیبهای شعر مذهبی از همان آغاز تا امروز دو عامل است. یکی غلو در مدح پیشوایان که تا سرحد شرک پیش میرود و دیگری وهن و انتساب ناروا و غیرمستند به خاندان پیامبر (ص) که برای تحریک احساسات مخاطبان و تباکی با زبان حال و خلاف واقعیت و به اصطلاح خرافه‌ها سروده شده است.

شعر مذهبی در ایران

مذهب تشیع، ادبیات و شعر خاص خود را پدید آورده است. بعد از ماجرای سقیف، بنی‌ساعده و بموجب برخی روایات، دوازده تن از اجله صحابه پیامبر طی بیانات مستدل، علنی با خلافت ابوبکر مخالفت و از علی علیه‌السلام جانبداری کردند. نطقهای ایشان و اشعار احتجاج‌آمیز سایر مهاجران و انصار در این باره فصل نخستین تاریخ ادبیات تشیع را تشکیل میدهد (تاریخ تشیع در ایران، جعفریان: ص ۶۹).

شاعران شیعی از همان آغاز حرکت مذهب تشیع مورد عنایت و توجه ائمه و بزرگان دین قرار گرفتند و موضع‌گیریهای فکری و سیاسی که مدنظر امامان شیعه و تفکر شیعی بوده، در شعر شاعران آن دوره بر ضد حکومت امویان و عباسیان وجود داشته است. ذبیح‌الله صفا در جلد اول *تاریخ ادبیات* در مقدمه‌ای طولانی توضیح دقیقی درباره این مطلب دارد که میتوان به آن رجوع کرد (صفا، ۱۳۶۸). در واقع میتوان گفت شیعه چون در آغاز در اقلیت بوده، همواره حق خود را غصب‌شده میپنداشته است. روحیه حماسی و اعتراضی در این نوع شعر یعنی شعر مذهبی موج میزند و از طرفی مضامین عمده آن برای اثبات امامت حضرت علی (ع) و مسئله خلافت و ولایت و شرح احادیثی از پیامبر اسلام در جانشینی آن حضرت بوده است. همچنین مصائب و آلامی که در طول دوپیست و پنجاه سال اول دوره اسلامی بر شیعیان در حکومت امویان و عباسیان وارد آمده بود، در شعر مذهبی و شیعی در قالب مراثی و مرثیه‌سرایی ظهور پیدا کرد که رگه‌ها و شاخه‌هایی از آن هنوز در شعر مذهبی دوره معاصر نه‌تنها در شعر فارسی که در شعر مذهبی و شیعی کشورهای دیگر عربی و فارسی‌زبان و حتی شیعیان به زبانهای دیگر جهان منعکس میشود. از جمله ویژگیهای این گونه شعری، جنبه‌های نیرومند عاطفی و احساسی ویژه در مورد مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین مدحهایی است که در مواقع جشن و سرور و اعیاد سروده میشود.

مدیحه‌سرایی و مدح در شعر فارسی در قالب مناقب‌سرایی برای شیعیان و فضایل‌سرایی برای اهل سنت تا دوران حکومت صفوی رایج بوده است. بعد از اسلام بصورت رسمی مدح پیامبر و صحابه جایگزین مدح پادشاهان و درباریان شد و به مدیحه‌ مذهبی و مدایح اهل بیت علیهم‌السلام تغییر پیدا کرد. مدیحه در لغت به معنای ستایش است و در اصطلاح شعری ستایش‌آمیز است که موضوع آن می‌تواند شخص، گروه، بنیان حکومت یا حتی یکی از حالات و خلقیات نفسانی انسان باشد (مشیری، ۱۳۷۸). در مدح و مدیحه‌سرایی مذهبی شاعر به ستایش امامان معصوم و بزرگان دین و خاندان پیامبر اکرم (ص) و مناقب و مکارم آنها می‌پردازد. مدیحه‌های مذهبی اگرچه در قالب شعر سروده می‌شوند، در اجرا هم متنوع هستند؛ از جمله آنها چاووشها، مولودیه‌ها، غدیریه‌ها، و عیدخوانیها است.

مرثیه‌سرایی مهمترین بخش شعر مذهبی بوده و هست. مهشید مشیری در فرهنگ زبان فارسی معتقد است مرثیه در لغت به معنای همان نوحه‌سرایی است (مشیری، همان). هرچند قصد و مجال ما برای واکاوی اصل واژه‌ها و ریشه‌شناسی آنها نیست، اما نیکوست که به کتاب جامع مرثیه‌سرایی در ادب فارسی نوشته نصرالله امامی اشاره شود که بصورت جامع سیر مرثیه و مرثی و تعاریف و دسته‌بندی‌های آن را از آغاز تا دوره معاصر ذکر کرده است (امامی، ۱۳۶۹). مرثیه در اصطلاح، شعری است که در ماتم درگذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ شاهان و بزرگان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین سروده شده باشد (امامی، همان، ص ۴۳)، اما در ایران به این نوع در دوره کنونی بیشتر شعر شهادت می‌گویند که نمونه اعلا مرثیه‌سرایی در شعر و ادب فارسی است.

جریان انقلاب اسلامی از سال ۱۳۴۲ شروع می‌شود و از آنجاکه امام خمینی قیام خود را نشئت‌گرفته از قیام امام حسین (ع) میدانست، حضور موضوع و قیام عاشورا با تفکر انقلاب گره می‌خورد و سه مقوله انقلاب، مبارزه و عاشورا در شعر این دوره رقم می‌خورد. شعر این عصر بیشتر شعر اعتراضی و مبارزه است، ولی کم‌کم رنگ‌وبوی مذهبی هم می‌گیرد. شعر سالهای آغازین انقلاب و دفاع مقدس، ادامه منطقی شعر انقلاب پس از بهمن ۵۷ است، ولی حضور مذهب و مؤلفه‌های مذهبی و مفاهیم دینی با شعر امروز پیوند می‌خورد و تصویرسازیها و خلاقیت‌های زبانی بیشتر می‌شود. اگرچه در دهه شصت، موضوعیت اصلی دفاع مقدس است، اما ارتباط شعر انقلاب با شعر مذهبی بخصوص شعر عاشورا تقویت شده است. در واقع میتوان گفت اوج شکل‌گیری شعر مذهبی در این دوره است که باعث ترغیب شاعران به حوزه مذهب و شعر مذهبی بشکل گسترده و تازه‌تری شدند. شعر مذهبی در این دوره عرصه‌های فراوانی را میدان‌دار شد و از روایت مرثی و مصائب به اندیشه‌ورزی در مفاهیم و ظرائف اهل بیت (ع) روی آورد و از رسالت اطلاع‌رسانی به معرفت‌افزایی تغییر پیدا کرد.

شعر ملی و میهنی

یکی از عمده‌ترین مسائل عاطفی، هویتی و فرهنگی که حوزه گسترده‌ای از تمایلات و تأملات انسان را در دوران معاصر بیشتر به خود مشغول داشته، مسئله وطن و میهن است. مفهوم وطن بعنوان یک فصل مقوم و وحدت‌آفرین در سرزمین و متشکل از زبان، دین، نژاد، تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، آیینها، علایق و دلبستگیهای دیگری است که ملتها و انسانهای یک مرزوبوم را در جبهه و مسیری همسو قرار میدهد (با چراغ و آیین، شفیع کدکنی: ص ۶۴۱). در ایران بدلیل تاریخ قبل و بعد از اسلام و تلفیق حس ایرانی و اسلامی طبیعی است که به دو مقوله وطن قومی و ملی، و وطن اسلامی هر دو توجه شود.

دو شاخه اصلی وطن‌پرستی را میتوان در دوره معاصر ایران مشاهده کرد که منشأ آن در عصر مشروطه است. نخست شاخه‌ای که وطن ایرانی را در شکل موجود و اسلامی و حتی شیعی آن مورد نظر قرار میدهد و دوم گروهی که بیشتر وطن را مجرد از رنگ و بوی اسلامی آن مورد نظر دارد و شاید نگاهی باستان‌گرایانه هم داشته باشد. مضامینی از جمله میهن، کشور، سرزمین، خاک، مرز، بوم و بر، زادگاه، آب و خاک، اقلیم، قوم، ملیت، توده، مردم، و زیست‌بوم همگی دال بر وجود عنصری قوی و تأثیرگذار بر پیوند انسان با محیطی است که به آن وفادار است و برای آن ایثارگری میکند و این مفهوم سترگ همان «وطن» است. مفهوم وطن در ادبیات پیش از مشروطه سابقه‌ای به معنی امروز این کلمه ندارد. شعر فارسی پس از مشروطه با بهره‌گیری از مفاهیم وطن‌خواهی، میهن‌دوستی، منافع ملی، آزادی‌خواهی و قانون و نیز پس از انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ با واژگانی همچون اسلام، استعمارستیزی، شهادت‌طلبی و پیشوایان دینی و مذهبی، بسترساز مناسک و آیینهای اجتماعی و مردمی شد؛ بنابراین وطن یکی از موضوعات و مؤلفه‌های شعر آیینی معاصر است که اغلب شاعران ایرانی و فارسی‌زبان به آن پرداخته‌اند. عشق به میهن با توصیفات هم‌چون شکوهمند و با عظمت، ویرانی و دل‌تنگی برای دیار و زادگاه، دعوت به ایستادگی و سرافرازی همراه است. برای نمونه شعر «ای ایران» را که در برهه‌ای سرود ملی ایران بشمار می‌آمد، «حسین گل گلاب» استاد دانشگاه تهران سروده و از ویژگیهای این است که تک‌تک واژه‌های بکاررفته در سروده، سرشار از واژه‌های خوش‌تراش فارسی است. دوم آنکه بافت و ساختار شعر بگونه‌ای است که تمامی گروههای سنی، از کودک تا بزرگسال با آن ارتباط برقرار میکنند و ریتم و موسیقی درونی آن برای هر ایرانی غرور‌آفرین و نوستالژیک است (مرز پرگهر، ظریف: ص ۲۳).

شعر فولکلور و فرهنگ عامه

آیینهای اقوام ایرانی هرچند رنگارنگ و متنوع هستند، اما در یک کانون مشترک به هم متصل میشوند و آن هم فرهنگ ایران است. فرهنگ عامه و فولکلور در قالب و بستر زندگی از گهواره تا گور هم‌نشین ایرانیان بوده و هست. فولکلور را در زبان فارسی به فرهنگ مردم، فرهنگ عامه، دانش عوام، فرهنگ توده، شیوه‌های قومی، فرهنگ عامیانه و گاهی هم ادبیات شفاهی ترجمه کرده‌اند (برداشتی جامعه‌شناختی از ادبیات عامیانه، ارشاد: ص ۱۰). فولکلور را در زبان فارسی به فرهنگ مردم، فرهنگ عامه، دانش عوام، فرهنگ توده، شیوه‌های قومی، فرهنگ عامیانه و گاهی هم ادبیات شفاهی ترجمه کرده‌اند. به این ترتیب میتوان گفت که منظور از فولکلور یا همان دانش و فرهنگ ادبیات عامه، جمع‌آوری و توصیف اسطوره‌ها، آیینها، مناسک، جشنها، آداب مذهبی، سنتهای قومی، بازیها، آهنگها و ترانه‌ها، قصه‌ها و اشعار محلی، مثلها و مثلها، چیستانها و مواردی از این قبیل است که در هر ملت و جامعه یا قوم و قبیله‌ای وجود دارد و یا داشته است (درآمدی بر فولکلور ایران، جعفری قنوازی: ص ۳۲). وقتی سخن از شعر فولکلور و عامیانه در زبان فارسی و مرزبوم ایران میشود، باید به مقوله‌های فرهنگی، هویتی، تاریخی، جغرافیایی، نژادی، زبانی، گویشی و لهجه‌ای، ایدئولوژیک و تفکری و منطقه‌ای و اقلیمی توجه جدی داشت و مضامین و درونمایه‌های طبیعت، حماسه، زبان، آداب و رسوم، آیینها و مناسک، عقاید دینی، باورها، سنتها، هنرها، موضوعات تاریخی، اندیشه‌های علمی و حتی فلسفی و عرفانی، دینی مذهبی و احساسات و شرایط زیست‌بوم بشری در هر جغرافیای خاص مدنظر باشد. ذبیح‌الله صفا بهره‌گیری شعر و ادب فارسی را از مقولات فرهنگی بیشتر حول عقاید و اندیشه‌های دینی میدانند و معتقد است ادبیات فارسی پس از اسلام در بستر فرهنگ اسلامی رشد نموده و در دامان متون دینی پرورده شد. عبدالحسین زرین‌کوب که این عبارت را در کتاب *از گذشته ادبی ایران*

خود نقل میکند، بر آن صحنه میگذارد و معتقد است که آثار ادبی ایران قبل از اسلام نشان میدهد اغلب آیینها و مناسک و شاید همه آنها در ارتباط با مقوله‌های دینی زرتشتی و اوستا و مقدسات مذهبی است (صفا، ۱۳۸۷). برای بررسی و شناخت شعر عامیانه و فرهنگ عامه ایران ضرورت یک دسته‌بندی برای تسریع در دستیابی به هدف اجتناب‌ناپذیر است. ایران کشوری است که از اقوام و نژادهای گوناگون تشکیل شده است و هرکدام از این اقوام دارای زبان یا گویش، فرهنگ و تاریخ هستند که به نوعی فرهنگ قومی و یا نژادی مشترک را میان آنها ایجاد میکند. ترکمنها، کردها، بلوچها، لرها، ترکها، اعراب، گیلکیها، مازنیها، تاتیها، راجیها، سیستانیها، بندریها، خراسانیها، فارسها، و اقلیتهای دینی و مذهبی.

شعر اقلیمی و نواحی ایران

شعر اقلیمی گونه‌ای از شعر آیینی و فارسی است که زاینده شرایط اقلیم و جغرافیای خاص است. در هر حال شعر اقلیمی فارسی بتبع از ادبیات اقلیمی و نواحی گسترده ایران متناسب با فرهنگ و نژاد یا زبان مشترک تقسیم میشود که شعر این نواحی مشترکات فراوانی دارند و میتوانند در یک چتر اقلیمی شامل جنوب، شمال، شرق، غرب، و مرکز قرار بگیرند. اگرچه شاید در ذیل هر اقلیم زیرشاخه‌هایی بتوان تعریف کرد که جزئیات دقیقتری را ارائه نماید، هرچند در شعر آیینی ایران در دوره معاصر جوابگو نیست و شاید لازم بنظر برسد در یک دسته‌بندی قومی و نژادی هم این موضوع بررسی شود.

در حوزه شعر نیز میتوان ویژگیهای اقلیمی و وابستگیهای جغرافیایی را تشخیص داد. نیمایوشیج بعنوان نظریه‌پرداز شعر نو فارسی تأکید زیادی داشت بر اینکه شعر هر شاعر باید نماینده محیط و اقلیم او باشد. او به شاعران می‌آموخت که مثلاً شعر شاعر کوهستانی با شعر شاعر کویرنشین باید متفاوت باشد. در اشعار نیمایوشیج بعینه تأثیر محیط و اقلیم شمال مثل، جنگل، باران، و دریا دیده میشود. این نکته درباره اشعار دیگر شاعران این اقلیم از جمله سلمان هراتی هم بوضوح دیده میشود. برای نمونه موضوع دفاع مقدس برای شاعر کوهستان یا منطقه شمالی در توصیف رزم و نبرد پیوندی با موقعیت جغرافیای و اقلیم سکونت او پیدا میکند. سهراب سپهری، که شاعری کویری است، رد پای اقلیم را از آغاز تا پایان هشت کتاب حتی آنجا که در ایران هم نیست، در خیال و تصویر بصورت موتیف حفظ کرده است. قیصر امین‌پور، که اهل جنوب ایران است، از آفتاب و شرجی و گرما و نخل و... در شعرهای خود استفاده میکند؛ البته اینکه این حوزه تقسیم‌بندی اقلیمی همچون ادبیات داستانی، بتواند روند آگاهانه و یکسان در خلق شعر داشته باشد، امری دشوار است.

منوچهر آتشی را شاعر روایتگر جنوب مینامند. شاعر اقلیم جنوب و ساکن دشتستان که با زبان حماسیش از دل صحرا و دشتهای بوشهر آمد و در تهران ساکن شد. اگر از نیمایوشیج در بازآفرینی اقلیم شمال یاد میکنند، به قول سپانلو، منوچهر آتشی نیز عوامل بومی و اقلیم نواحی را با فرهنگ ملی پیوند زد و شاعری است که خدمتگزار و پاسدار فرهنگ و آیینهای ایران است. آتشی در مصاحبه‌ای که در یازدهم آبان ۱۳۸۳ با خبرگزاری ایسنا داشته است، میگوید: شعر هنر فردی و بومی است؛ یعنی در ابتدا ما ایرانی هستیم و حس، تاریخ، اطلاعات و اندیشه‌هایمان ایرانی است. اگر ایرانی بودن خود را منتقل کنیم، جهانی میشویم. ضمن اینکه شاعران باید به ریشه‌های اصیل و بومی شعرمان آگاهی داشته باشند (وبگاه ایسنا، ۱۳۸۳).

شعر ایلیاتی و روستایی

شعر ایلیاتی و روستایی به آن دسته از اشعاری گفته میشود که موضوع و محورشان ایل، روستا و مجموعه آیینها و توصیفهای مربوط به این دو شاخه اصلی مضمون‌آفرین باشند. شعر روستایی اگرچه در حوزه کلان به نوعی بخشی از ادبیات اقلیمی است، با توجه به حجم و وسعت این دسته از شعر آیینی در ایران و جغرافیا و تنوع فرهنگی، مدتی است که این اصطلاح در شعر آیینی وارد شده است. در این مسئله کوچ، بیلاق و قشلاق و زندگی در سیاه‌چادرها و کپر‌ها و خانه‌های چوبی یا کلبه‌ها، همراه با دامداری و مسائل و جزئیات حاشیه‌ای آن مهم است. زندگی یکجانشینی و سبک معماری در روستا، باغها و درختها، کشاورزی و دامداری، صنایع دستی و هنرهای آیینی از موضوعاتی است که در شعر روستایی متبلور است. آیینها و مناسک فراوانی در ایلها، عشایر و روستاها وجود دارد که شاید به قول معروف مثنوی هفتاد من شود. شادبانه‌ها و جشن و سورها، سوگها و مرثیه‌ها، کارآواها و نواهای ایلی، توصیف طبیعت و حیات وحش پیرامون آنها از درختان و پرندگان گرفته تا آبها و چشمه‌ها و کوهسارها، همه و همه در بافت زندگی مردم روستا و ایل همزادند. این مفاهیم را میتوان در شعر ساده و صمیمی، مهربان و سرشار از غرور و حماسه ایلیاتیها و روستاییهای ایران تماشا کرد. شعری که آفرینشگر صحنه‌های تلفیق هنر با زندگی، فرهنگ با تاریخ و طبیعت با انسان است. یکی از این شاهکارهای هنری را میتوان شعر بلند و منظومه آیینی *حیدربابا* از شهریار ملک سخن دانست که از گوشه‌گوشه فرهنگ و زندگی و همه آنچه گفتیم، هنرمندانه و با زبانی شیرین و بیانی دلنشین سخن گفته است که هم عوام میفهمد و هم خواص میپسندند.

آسیب‌شناسی شعر آیینی

آیینها و درونمایه‌های بدیع آیینی در ایران اگرچه از گذشته رایج بوده‌اند، در این دوره متحول شده‌اند و دوره نوآیینی شعر فارسی را رقم میزنند. به هر حال شعر و ادبیات در هر دوره‌ای با شرایط جامعه همراهی نموده و در دوره معاصر به نوعی پوستاندازی کرده است. دوره گذر از مشروطه و آغاز دوره تجددخواهی و آزادی‌طلبی و در ادامه آن شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی در عاشورای سال ۱۳۴۲، دوران ناسیونالیسم افراطی و ملی‌گرایی در مقابل دین و مذهب، موجب شکل‌گیری شعر وطنی و باستانگرایی در ادبیات شد. تحولات سیاسی و اجتماعی در دهه پنجاه و ایام پیروزی انقلاب اسلامی و اقبال مردم به طبقه روحانیت دینی و مذهبی و مبارزه طلبی برضد ستم و بیعدالتی باعث رویش مجدد شعر و ادبیات دینی و مذهبی در قالب ادبیات آیینی و دینی شد. شعر و ادبیات در روزگار منتهی به انقلاب ماهیتی ملی و مذهبی پیدا کرد و برای اجماع توافق و حضور مردم در مبارزات همه اقشار مدنظر بودند. بتبع آن شعر و ادبیات هم با بهره‌گیری از مفاهیم ملی‌گرایانه، وطنی و حتی اسطوره‌ای و تاریخی بر بستر دین و مذهب ارائه میشد و نوعی نوگرایی در شکل و فرم و نواندیشی در محتوا و مضمون شعر اتفاق افتاد که به این موضوع کمک کرد. این دوران، دوره شعر انقلاب نام گرفته است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ هشت‌ساله بر ملت ایران تحمیل شد که گونه‌ای از ادبیات مقاومت و پایداری یا شعر دفاع مقدس نشو و نما پیدا کرد و آیینها و مناسک متنوعی را بدنبال خود در فرهنگ مردم و شعر و ادبیات ایجاد نمود. در این دوران محتوای شعر بیشتر حول آیینها و مناسک مذهبی و در پاره‌ای موارد ملی و تاریخی بود ولی مضمون غالب در اشعار، دینی و مذهبی بود. بتبع از این غلبه محتوایی، نوعی ادبی تحت عنوان مداحی که قبلاً برای اهل بیت در قالب مناقب و مرثیه سروده میشد، قوت پیدا کرد و شعر آیینی و حتی کلیت شعر فارسی را در دوره معاصر تحت تأثیر قرار داد؛ بگونه‌ای که شاعران در کسوت مداحان و یا برعکس مداحان در قامت شاعران حضور داشتند. کم‌کم رنگ‌وبوی

آیینهای ملی از سروده‌ها رخت بریست و محتوای اشعار و ادبیات این دوره، دفاع مقدس و جنگ شد. اما در دهه‌های پس از جنگ این نگاه غالب مذهبی قوت بیشتری گرفت تا جایی که شعر آیینی به شعر مذهبی و حتی مداحی اهل بیت (ع) محدود شد و اغلب شاعران سعی کردند در مدح یا مرثیه‌ای برای یکی از امامان (ع)، پیامبر (ص) و خاندان آنها یا سایر مناسک مذهبی، سروده و اثری بر جای بگذارند. این مقوله گاهی حس شخصی و فردی بوده و زمانی نگاه ایدئولوژیک و دینی داشته است.

در دوره معاصر ایران، بویژه چهار دهه اخیر، بصورت جدی به شعر آیینی و نقش آن در معرفی و توسعه فرهنگی و اجتماعی و توانمندیهای این گونه ادبی در آفرینش رویکرد مشترک ایرانی و اسلامی یا ملی و مذهبی کمتر توجه شده است. از سوی دیگر با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و ضرورت آشناسازی جامعه و بخصوص نسل جوان و آینده‌ساز ایران با نقش آفرینی شعر آیینی و رسالت آن در تمدن‌سازی و سهم آن در تولید هنر و آثار ادبی از سوی مجامع ادبی، علمی و دانشگاهی بیتوجهی صورت گرفته است. البته در زیرشاخه‌های شعر آیینی در دوره معاصر بخصوص دهه‌های اخیر پژوهشها و تکنگارهایی صورت پذیرفته که برخی از آنها ظرفیت شعر آیینی را فقط در شعر دینی و مذهبی تعریف و جستجو کرده‌اند. گروهی از متقدمان هم از قبل، شعر و ادب آیینی را مجلای سنتها و فرهنگ ملی و میهنی کهن و تاریخی قلمداد کرده‌اند. در سالیان پس از انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت انقلاب و تعاریف هنجارهای ارزشی برای این عرصه که برگرفته از مکتب اهل بیت (ع) و بخصوص عاشورا و کربلا بوده، شعر آیینی را با شعر مذهبی و مدایح و مرثی اهل بیت (ع) برابر و یکسان منظور داشته‌اند. برای نمونه به برخی از این موارد اشاره میشود.

محدثی خراسانی در کتاب *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن* درباره پیشینه شعر آیینی با رویکرد دینی و مذهبی بحث میکند و بیشتر آن را از منظر مدح، مرثیه و مناقب بررسی کرده است. او با الگوپذیری یا بهره‌گیری از دسته‌بندی محمدعلی مجاهدی به زیرشاخه‌های شعر ولایی میپردازد و سعی دارد مضمون‌پردازی در خصوص اهل بیت (ع)، انقلاب اسلامی و جنگ را در شعر مذهبی ایران با نمونه‌های شعری شاعران انطباق دهد (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸). محمدعلی مجاهدی در کتاب *شکوه شعر عاشورا* به پیشینه‌شناسی ادبیات و شعر عاشورایی پرداخته و در مقدمه مفصل کتاب به دسته‌بندی شعر آیینی در حوزه‌های نیایشی، توحیدی، اخلاقی، پندی، حماسی، حکمی، عرفانی، اجتماعی، مداحی، و مرثی میپردازد و در حد تعاریف اجمالی بسنده میکند. البته او به نگاه برخی برای محدود کردن شعر آیینی و انحصار آن فقط به شعر مذهبی و به اصطلاح اهل بیته انتقاد دارد، ولی به تشریح بخشها و حوزه‌های مورد اختلاف نمیپردازد (مجاهدی، ۱۳۹۰). ایشان در کتاب دیگری با عنوان *سیری در قلمرو شعر توحیدی* حوزه‌ای از شعر آیینی را مشروح و به تفصیل در هفتصد صفحه از آغاز تا معاصر بررسی و بیان میکند که البته میتوان اذعان کرد نگاه او بیشتر به شعر کهن فارسی و نمونه‌های آن در شعر شاعران متقدم است (مجاهدی، ۱۳۹۴). کتاب *بانگ در بانگ* از قدرت‌الله طاهری به جریانهای شعری در دوره معاصر ایران پرداخته و در واقع به تقسیم‌بندی فکری و اعتقادی شاعران معاصر در یازده دسته روی آورده که عبارتند از: سنت‌گرایان اجتماعی، سنت‌گرایان رمانتیک، نوگرایان اجتماعی، نوگرایان رمانتیک، سنت‌گرایان انقلاب، نوگرایان انقلاب، نوگرایان اجتماعی، نوگرایان آرمان‌گریز، پست‌مدرن، مذهبی سنتی، و مذهبی نوگرا. او برای هر دسته، گروهی از شاعران را نام برده است که اگرچه آشکارا به شعر آیینی اشاره نکرده، غیرمستقیم در شعر مذهبی به آن پرداخته است (طاهری، ۱۳۹۲). در کتاب *شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم* نوشته احمد درستی درباره شعر سیاسی و اجتماعی بحث مفصلی شده ولی در بخشهایی به شعر دینی جنبش‌آفرین اشاره میکند و آن را زمینه‌ساز شعر

اعتراض و به اصطلاح شعر انقلاب میداند (درستی، ۱۳۸۱). سیر تحول شعر آیینی از دوره صفویه تا امروز عنوان پایان‌نامه‌ای است که پژوهشگر بر آن است تا شعر ولایی و دینی را از جهت محتوایی، ادبی و زاویه دید شاعر در خصوص اهل بیت (ع) و بزرگان دین اسلام بررسی کند. متأسفانه نگاه ایشان به شعر آیینی متناظر با شعر دینی و مذهبی است و بصراحت میگوید منظور از شعر آیینی همان شعر مذهبی و ولایی است. از طرف دیگر به دوره معاصر بعد از انقلاب نپرداخته و بیشتر به دوره‌های تاریخی از صفویه تا قبل از انقلاب نظر داشته است.

تحولات اجتماعی و فرهنگی پس از دوره مشروطه و تأثیر آن بر ساختارهای مختلف جامعه، در شعر و ادبیات ایران بازتاب و نمود قابل توجهی داشته است؛ بگونه‌ای که حس وطن‌پرستانه را در پی داشته و از طرفی پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و پیامدهای آن در توسعه و رشد و مفهوم‌پردازی در ادبیات تأثیر ژرفی بر گستره شعر آیینی ایران بر جای گذاشته است و رویکرد انقلابی و حماسی با تأکید بر معارف دینی اسلام را دنبال میکرده است. از دهه شصت و هفتاد یعنی از دوره هشت سال دفاع مقدس و سالهای پس از جنگ، نوعی تلاش در مناسک‌سازی آیینهای مذهبی و بازتاب آن در ادبیات بچشم میخورد که تلاش میشود شعر آیینی برآیند ادبیات دینی و مذهبی باشد. حال آنکه برخی نیز شعر و ادبیات آیینی را مقوله‌ای متشکل و متبلور از مجموعه آیینی و سنتهای ایرانی میدانند. این تحولات سبب شده شعر و ادبیات آیینی در ظرف سیال زمان و ظرفیتهای متنوع فکری آینه تمام‌نمای آیینهای ایرانی اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گذشت، شعر آیینی در ادب فارسی بویژه در دوره معاصر یکی از عناصر ارتباطی و گفت‌وگوساز در فرهنگ ایرانی بوده و بخش مهمی از ذهنیت و تفکر ایرانیان را شکل داده است. چند مؤلفه و نکته مهم که در میان مردم ایران مشترک بوده و بر الگوی رفتاری آنها تأثیر گذاشته است، عبارتند از: وطن‌دوستی و میهن‌پرستی، تعصب و غرور دینی و مذهبی، فرهنگ عامه و خرده‌فرهنگهای تاریخی و اقلیمی. این مفاهیم را میتوان در شعر ساده و صمیمی، مهربان و سرشار از غرور و حماسه ایللیاتیها و روستاییهای ایران تا نامدارترین شاعران و ادیبان این سرزمین شاهد بود. شعری که آفرینشگر صحنه‌های تلفیق هنر با زندگی، فرهنگ با تاریخ و طبیعت با انسان است.

آیینها و مناسک از منشأهای مختلف ریشه میگیرند و چرخه‌های متعددی را که هرکدام حاصل نظامهای معنایی و هویتی مختلف هستند، با یکدیگر هم‌داستان میکنند. در ایران در طول چندین هزار سال تا کنون شاهد پیوند خوردن و همساز شدن مناسک ماهی و خورشیدی و آیینهای وابسته به ماه و خورشید هستیم. دو تقویم خورشیدی و قمری با یکدیگر در ایران پس از ورود اسلام مناسبتهای مختلف را سازش میدهند. مناسبتهایی که گاه به نظر کاملاً متفاوت و سازش‌ناپذیر می‌آیند؛ همچون جشنها و مراسم سوگواری (نوروز و محرم)، اما این تمدن همواره توانسته است این همساز مناسکی را با موفقیت به انجام برساند و این امر را مدیون ذهنیتها و نظامهای ارزشی، نمادشناسی و اسطوره‌های قدرتمندی است که میتوانند قابلیت معناشناسی و تفسیری بالایی را ایجاد کنند.

بررسی و شناخت آیینها و مناسک ایرانی و اسلامی در دوره معاصر در قالب سنتهای ملی و مذهبی و شعر و ادب آیینی با تحولات فرهنگی و اجتماعی و گاهی سیاسی همراه است. در واقع میتوان گفت ادبیات آیینی بستری برای انتقال مفاهیم و ارزشهای انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مناسبتهای ملی و مذهبی و آداب و سنن شده است. آنچه ضرورت دارد این است که شعر و ادبیات آیینی دوره معاصر بعنوان گنجینه ارزشمند ادبی و دربرگیرنده مجموعه اعتقادات و باورهای ملی و مذهبی، تاریخ، تمدن و فرهنگ تلقی شود. بنابراین شعر آیینی گونه‌ای از شعر و ادب

فارسی است که از جهت مضمون و محتوا هم مفاهیم دینی و مذهبی را شامل می‌شود و هم به درونمایه‌های ملی و ایرانی اعم از تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، آداب و سنت‌های پیشین و مناسک سیاسی و امروزین معاصر از جمله مناسک انقلاب و دفاع مقدس توجه جدی دارد. از یکسو رنگ‌وبوی دینی دارد و از آموزه‌های الهی و فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد و از مقوله‌های قدسی و توحیدی، نیایشی و ستایشی، اخلاقی و تهذیب نفس، مناقب، مدایح و مراثی معصومین (ع) با نام‌های نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی سروده می‌شود. از طرف دیگر در ایران با توجه به پیشینه فرهنگی و تاریخی، نژادی و زبانی، جغرافیا و موقعیتهای خاص، آداب و سنن، جشنها و مناسک مردم از باستان تا امروز متأثر از تحولات دوره معاصر، شعر آیینی را بالنده کرده است.

حدود معنایی و تعریف شعر آیینی در انواع شعر و ادب فارسی، میان ناقدان، ادیبان و دانشگاهیان بخوبی تبیین نشده است. در نظر برخی بکار بردن برخی اصطلاحات دینی و مذهبی در شعر، این توهم و برداشت را ایجاد می‌کند که شاعری را شاعر آیینی بنامیم که فقط به محتوای مذهبی توجه دارد، حال آنکه شعر آیینی با تعریفی که ارائه شد، با آنچه در عرف شعری امروز ایران است، متفاوت است. به عبارتی شعر آیینی فقط مداحی و مرثیه‌سرایی دینی و مذهبی نیست، بلکه شعری است که ویژه آیینها و مناسک دینی و پاسداشت سنت‌های ایرانی و اسلامی است.

این پژوهش با توجه به نوع نگاه به ابعاد ایرانی و اسلامی یا ملی و مذهبی در حوزه آیینها و مناسک ایران و احصاء نظرات و دیدگاههای صاحب‌نظران و شاعران برجسته در این عرصه ادبی و شعری و همچنین بررسی و شناخت جامع ادبیات و شعر آیینی از دوره پیش از اسلام و باستان تا امروز و تحت نظر معرفی مؤلفه‌های موجود در شعر آیینی معاصر و استشادات شعری از شاعران در درونمایه‌های آیینی ایرانی و اسلامی و بررسی آسیبها و راهکارهای تقویت شعر آیین فارسی میتواند بصورت تخصصی برای دانش‌پژوهان شعر و ادب فارسی و بشکل عام برای ارتقای آگاهی و دانش عمومی مفید باشد. آخر سخن اینکه شعر آیینی همچون دیگر انواع شعر و قلمرو ادب فارسی در گذر زمان گسترش یافته و سپهر تازه‌ای فراروی خویش گشوده است. روشن است که پدیده‌های نو، تحولات دوره معاصر، تغییر و تحول زبان، اندیشه‌ها و مضامین نو، همه و همه اتفاقاتی جدید را در شعر آیینی معاصر ایران رقم زده است و این گونه شعری را باید چندساحتی و با مضامین متنوع نگاه کرد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه سمنان استخراج شده است. آقای دکتر عبدالله حسن زاده میرعلی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای علیرضا حبیبی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه سمنان و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Amin, Hassan. (2015). Shahriar, the most popular contemporary poet, Information newspaper, September 17th.
- Asadian, Mohammad. (2005). Mirrors of Transition in Iran, Tehran: Roshanan.
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). Dictionary, 16-volume course, Tehran: University of Tehran Press.
- Dorsti, Ahmad. (2002). Political Poetry in the Second Pahlavi Period, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
- Emami, Nasrollah. (1990). Lamentation in Persian Literature, Tehran: University Jihad Publications.
- Ershad, Farhang. (2008). Sociological perception of folk literature, *Iranian People Culture Quarterly*, No. 12, pp. 3-26.
- Fakuhi, Nasser. (2010). Man and Culture, Tehran: Javid.
- Islami Nodooshan, Mohammad Ali. (1970). Jahanbebin Cup, Third Edition, Tehran: Ibn Sina.
- Jafari Qanavati, Mohammad. (2015). An Introduction to Iranian Folklore, Tehran: Jami.
- Jafarian, Rasoul. (2007). History of Shiism in Iran, Tehran: Elmi.
- Kazazi, Mir Jalaluddin. (1982). Essays in Iranian Culture and Literature, Tehran: Markaz Publishing.
- Mohaddesi Khorasani, Zahra. (2009). Ritual Poetry and the Impact of the Islamic Revolution on It, Tehran: Ashura Cultural Complex.
- Moin, Mohammad. (2009). Dictionary, Six-volume volume, 22nd edition, Tehran: Amirkabir.
- Moshiri, Mahshid. (1999). Dictionary of Persian language, Third Edition, Tehran: Soroush.
- Najafi, Abolhassan. (2010). The duty of literature, Tehran: Niloufar.
- Safa, Zabihollah. (2008). Epic song in Iran, Tehran: Amirkabir.
- Shafiee Kodkani, Mohammad Reza. (2013). With lights and mirrors, Fourth Edition, Tehran: Sokhan.
- Zarif, Hooman. (2016). Marz Pargohar, Life and Poems of Hossein Golgolab, Tehran: Andisheh.

فهرست منابع

- انسان و فرهنگ، فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). تهران: جاوید.
- آیینهای گذار در ایران، اسدیان، محمد (۱۳۸۴). تهران: روشنان.
- با چراغ و آیین، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). چاپ چهارم، تهران: سخن.
- برداشتی جامعه‌شناختی از ادبیات عامیانه، ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۷). فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۲، صص ۲۶-۳.
- تاریخ تشیع در ایران، جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تهران: علم.
- جام جهان‌بین، اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹). چاپ سوم، تهران: ابن سینا.
- جستارهایی در فرهنگ و ادب ایرانیان، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۱) تهران: نشر مرکز.
- حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). تهران: امیرکبیر.
- درآمدی بر فولکلور ایران، جعفری قنواتی، محمد (۱۳۹۴). تهران: جامی.
- شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، محدثی خراسانی، زهرا (۱۳۸۸) تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، درستی، احمد (۱۳۸۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شهریار، محبوب‌ترین شاعر معاصر، امین، حسن (۱۳۹۴). روزنامه اطلاعات، ۲۶ شهریور.
- فرهنگ زبان فارسی، مشیری، مهشید (۱۳۷۸). چاپ سوم، تهران: سروش.
- فرهنگ لغت، معین، محمد (۱۳۸۸) دوره شش جلدی، چاپ بیست و دوم، تهران: امیرکبیر.
- لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). دوره ۱۶ جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مرثیه‌سرایی در ادب فارسی، امامی، نصرالله (۱۳۶۹) تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مرز پرگهر، ظریف، هومن (۱۳۹۵). زندگی و اشعار حسین گل‌گلاب، تهران: اندیشه.
- وظیفه ادبیات، نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۹). تهران: نیلوفر.

معرفی نویسندگان

علیرضا حبیبی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(Email: alireza.habibi@semnan.ac.ir)

عبدالله حسن زاده میرعلی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(Email: a.hasanzadeh@semnan.ac.ir: نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Alireza Habibi: PhD student in Persian language and literature, Semnan University, Semnan, Iran.

(Email: alireza.habibi@semnan.ac.ir)

Abdullah Hassanzadeh Mir Ali: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.

(Email: a.hasanzadeh@semnan.ac.ir: Responsible author)